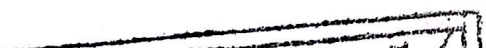


راجر فالر • رومن ياكوبسن • ديويد لاج • پيتر بري

زبانشناسی و نقد ادبی



فهرست مطالب

۷	مقدمه ویرایش اول
۱۵	مقدمه ویرایش دوم
۱۹	بررسی ادبیات به منزله زبان (راجر فالر / ترجمه حسین پاینده)
۳۹	قطب‌های استعاری و مجازی در زبان پریشی (رومن یاکوبسن / ترجمه مریم خوزان) ...
۴۷	زبان ادبیات داستانی نوگرا: استعاره و مجاز (دیوید لاج / ترجمه مریم خوزان)
۷۱	زبان‌شناسی و شعرشناسی (رومن یاکوبسن / ترجمه حسین پاینده)
۸۱	ادبیات به منزله کلام (راجر فالر / ترجمه حسین پاینده)
۹۱	سبک‌شناسی (پیتر بری / ترجمه حسین پاینده)
۱۱۵	واژه‌نامه فارسی-انگلیسی
۱۲۰	واژه‌نامه انگلیسی-فارسی
۱۲۵	نمایه اشخاص
۱۲۷	نمایه کتاب‌ها و مقاله‌ها
۱۲۹	نمایه موضوعی

مقدمه ویرایش اول

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از مقاله‌های رومن یاکوبسن^۱، راجر فالر^۲ و دیوید لاج^۳ درباره کاربرد زیانشناسی در نقد متون ادبی، که البته مقاله دیوید لاج عمدتاً شرحی است بر نظریه یاکوبسن و اعمال آن در بررسی نمونه‌هایی از رمان نوگرا. انتخاب این متون به دلیل تأثیر عقاید یاکوبسن و فالر در نظریه‌های نقد ادبی معاصر بوده است، به گونه‌ای که جدیدترین کتب نقد ادبی، در بخش «نقد زیانشناسانه» عمدتاً – و گاه صرفاً – مقالات این دو زیانشناس را شامل می‌شود.

رومن یاکوبسن را بی تردید باید پیش‌کسوت زیانشناسانی دانست که کوشیدند شیوه کاربرد زیانشناسی در بررسی ادبیات را نظام بخشند. او که در سال ۱۸۹۶ در روسیه متولد شد، از بنیانگذاران «محفل زیانشناسی مسکو» بود و همکاری نزدیکی با یکی از محافل ادبی در سن پترزبورگ به نام «انجمن پژوهش درباره زبان شعری» داشت. نتیجه این همکاری، شکل‌گیری شیوه نقد موسوم به «فرمالیسم روسی» بود که هنوز هم از پرطرفدارترین گرایش‌های نقد ادبی است. در سال ۱۹۲۰ یاکوبسن به چکسلواکی رفت و «محفل زیانشناسی پراگ» را بنیان گذاشت. به دنبال حمله ارتش آلمان نازی به چکسلواکی در سال ۱۹۳۹، او مجبور به ترک آن کشور شد و پس از

1. Roman Jakobson

2. Roger Fowler

3. David Lodge

چند سال اقامت در کشورهای دیگر، سرانجام در سال ۱۹۴۱ به آمریکا سفر کرد و تا پایان عمر خود در سال ۱۹۸۲، در همان کشور به سر برد.

راجر فالر از جمله زبان‌شناسان برجسته انگلیسی است که همچون یاکوبسن علاوه بر زبان‌شناسی، با ادبیات نیز آشناست. وی استاد زبان‌شناسی در دانشگاه ایست انگلیا در انگلستان است و علاوه بر دوازده کتابی که در زمینه زبان‌شناسی و نیز ارتباط زبان‌شناسی و ادبیات منتشر کرده، مقالات متعددی نیز در نشریات ادبی-زبان‌شناختی، به چاپ رسانده است. از جمله معروف‌ترین کتاب او می‌توان نقد زبان‌شناسانه، زبان‌شناسی و رمان، سبک و ساختار در ادبیات، فهم زبان و زبان و تسلط را نام برد. شاید بتوان گفت فالر نخستین زبان‌شناسی است که مدعی شده است نظریهٔ - یا به قول خود او، «الگوی» - منسجم و نسبتاً جامعی را برای نقد متون ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی پرداخته است و اکنون در کنار سایر شیوه‌های نقد ادبی که از اصول و روش‌های علوم دیگر برای بررسی ادبیات بهره می‌گیرند (مانند نقد روانکاوانه، یا نقد جامعه‌شناسانه)، فالر مدافع و نظریه‌پرداز «نقد زبان‌شناسانه» است.

ادبیات به اقتضای ماهیت خود - که دربارهٔ زندگی و پیچیدگی وجوه گوناگون آن است - از سرشتی پذیرنده برخوردار است و این قابلیت را دارد که از دیدگاه علوم دیگر مورد بررسی قرار گیرد. سال‌هاست که شیوه‌هایی در نقد ادبی متداول بوده‌اند که اصول و روش‌های آنها از علوم دیگر نشأت می‌گیرد؛ از قبیل نقد فلسفی، نقد روانکاوانه، نقد تاریخ‌مبنایانه، نقد ساختارگرایانه، نقد مارکسیستی، نقد صور نوعی، نقد جامعه‌شناسانه، نقد نشانه‌شناسانه، و... با این حساب، زبان‌شناسی را نباید یک استثنا تلقی کرد. از آنجایی که زبان‌شناسی مطالعهٔ علمی زبان، یعنی تار و پود به وجود آورندهٔ ادبیات است، قاعدتاً می‌تواند با نقد ادبی پیوند داشته باشد. اما نکتهٔ مهم، بحث دربارهٔ چگونگی کاربرد زبان‌شناسی در ادبیات است و این دقیقاً وجه افتراقی است که مباحث مطرح‌شده در چندسال اخیر در کشور ما را از نظریه‌های نظام‌مند و مستدل زبان‌شناسانی همچون یاکوبسن و فالر متمایز می‌کند. هدف از انتشار کتاب حاضر نیز، آشنایی خوانندهٔ فارسی‌زبان علاقه‌مند به این مباحث، با عمده‌ترین دیدگاه‌های زبان‌شناسان برجسته‌ای است که در این زمینه صاحب‌نظرند.

نخستین مقالهٔ این مجموعه، نوشته‌ای است از راجر فالر با عنوان «بررسی ادبیات به منزلهٔ زبان». نویسندگان در این مقاله ابتدا آنچه را خود «قصورهایی» د.

نظریه پردازی» می نامد، برمی شمرد - قصورهایی که به گمان او مانع از بحثی معقول درباره امکان به کاربردن زبانشناسی در نقد ادبی می شود. وی سپس به طرح نظرات خود درباره ماهیت زبان ادبی و اینکه اصولاً چه بخش‌هایی از زبانشناسی می تواند در نقد متون ادبی کاربرد داشته باشد، می پردازد. فالر در این بحث ضمن مخالفت با برخی دیدگاه‌های یاکوبسن، ویژگی‌های آن الگوی زبانشناسانه‌ای را که خود مفید می داند ذکر می کند. به گمان وی چنین الگویی باید «تبیین کاملی از ساختار زبان و کاربرد آن در تمام سطوح را ارائه دهد» و این سطوح عبارتند از: معناشناسی، نحو، واجشناسی و آواشناسی، دستور زبان متن و کاربردشناسی زبان^۱. فالر در بحث کاربردشناسی به دیدگاه م. ا. ک هالیدی، زبانشناس معاصر، درباره «الگوی کارکردی زبان» اشاره می کند و به بحث درباره «نشانه‌شناسی اجتماعی» می پردازد. وی در تمام این بحث‌ها دائماً به کاربرد این قبیل مفاهیم زبانشناختی در ادبیات اشاره می کند و سرانجام، بخشی از رمان خشم و هیاهو نوشته ویلیام فاکنر را به صورت نمونه از دیدگاه آنچه خود «نقد زبانشناسانه» می نامد، عملاً نقد می کند. نویسنده خود متذکر می شود که منظور وی از نقد این نمونه، نشان دادن این موضوع است که نظریه او درباره زبان، چه سمت و سویی به تحلیل متون ادبی می دهد. در پایان این مقاله، نویسنده بحثی نیز راجع به شیوه‌های آموزش زبانشناسی به دانشجویان ادبیات دارد.

دومین نوشته این مجموعه، یکی از معروف‌ترین مقالات یاکوبسن است به نام «قطب‌های استعاری و مجازی در زبان پریشی». این نوشته که در واقع بخشی است از مقاله طولانی تری با عنوان «دو جنبه زبان و دو نوع آسیب زبان پریشی» در کنار مقاله دیگر یاکوبسن در این کتاب («زبانشناسی و شعرشناسی») در بسیاری از مجموعه‌های نقد ادبی معاصر به عنوان مقالات شاخص یاکوبسن درباره کاربرد زبانشناسی در بررسی ادبیات به چاپ رسیده است. نویسنده در این نوشته نخست ویژگی‌های دوگونه مهم آسیب زبان پریشی را توصیف می کند و اظهار می دارد زبان پریشانی که دچار «آسیب مجاورت» می شوند، توانایی ترکیب واحدهای زبانی را در گفتار خود از دست می دهند و نتیجتاً، جملات آنان اغلب خلاف قواعد

دستور زبان است؛ در حالی که زبان‌پیشانی که دچار «آسیب مشابهت» می‌شوند، توانایی انتخاب واحدهای زبانی مناسب را از دست می‌دهند. به گفته یاکوبسن، بیماران نوع دوم گرایشی قوی به استفاده از استعاره دارند و مثلاً به جای «کلبه» ممکن است بگویند «آلونک». از سوی دیگر، بیماران نوع اول که از «آسیب مجاورت» رنج می‌برند گرایشی قوی به استفاده از مجاز دارند و به جای نام‌بردن از خود شیء مورد نظرشان، به کاربرد آن یا به جزئی از اجزاء متشکله آن اشاره می‌کنند و مثلاً به جای «قلم» می‌گویند «نوشتن»، یا به جای «خانه» می‌گویند «اتاق و آشپزخانه». نکته مهم در مقاله یاکوبسن این است که او این بحث صرفاً زبان‌شناسانه را ربط می‌دهد به استعاره و مجاز که سنتاً صناعاتی در علم بیان محسوب می‌شده‌اند. بنا به استدلال او، استعاره که به «محور انتخابی» زبان تعلق دارد، در جنبش‌های ادبی رمانتیسم و سمبولیسم اولویت دارد؛ مجاز که به «محور ترکیبی» زبان تعلق دارد، شالوده و جهت‌دهنده رئالیسم در ادبیات است. یاکوبسن ضمن طرح بحث خود، سبک نگارش تالستوی و یک رمان‌نویس دیگر روسی (اسپنسکی) را به صورت نمونه‌هایی از تفوق فرایند مجازی ذکر می‌کند. نکته مهم دیگری که یاکوبسن در پایان مقاله خود ذکر می‌کند این است که شالوده شعر، «اصل مشابهت» است، اما «نثر - برخلاف شعر - لزوماً با روابط مجاورت ادامه پیدا می‌کند» و «لذا، استعاره بیشتر در شعر به چشم می‌خورد و مجاز در نثر». گفتنی است که گرچه یاکوبسن در این مقاله، زبان‌پیشی را عمدتاً در تبلور آن در سبک‌های ادبی مورد بررسی قرار می‌دهد، اما متذکر می‌شود که غالب شدن یکی از این دو فرایند استعاری و مجازی، محدود به هنر کلامی نیست و او همین گرایش دوقطبی را در دیدگاه روانکاوانه فروید درباره تعبیر رؤیا، بررسی مردم‌شناسانه فریزر درباره آیین‌های جادوگران و نیز در هنر نقاشی و فیلم‌سازی مورد اشاره قرار می‌دهد.

سومین نوشته این مجموعه، مقاله‌ای است با عنوان «زبان ادبیات داستانی نوگرا: استعاره و مجاز» که دیوید لاج، منتقد ادبی و رمان‌نویس معاصر انگلیسی، آن را نوشته است. لاج استاد ادبیات انگلیسی در دانشگاه برمنگام انگلستان و شاید بتوان گفت مشهورترین طرفدار و مفسر نظریه یاکوبسن درباره کاربرد مباحث مربوط به زبان‌پیشی در بررسی سبک‌های ادبی است. وی تاکنون کتاب‌های متعددی به چاپ رسانده است که از جمله می‌توان به زبان ادبیات داستانی، نقد ادبی در قرن بیستم و نظریه

و نقد ادبی مدرن اشاره کرد. او در ابتدای مقاله خود، نخست شرح مختصری را از نظریهٔ یاکوبسن دربارهٔ قطب‌های استعاری و مجازی در زبان‌پریشی ارائه می‌دهد و سپس بر نهاد اصلی خود را - که در اصل تعدیل نظریهٔ یاکوبسن است - مطرح می‌کند: علیرغم اینکه به گفتهٔ یاکوبسن نثر لزوماً با روابط مجاورت ادامه می‌یابد و لذا ماهیتی مجازی دارد، به گمان لاج‌رمان‌نویسان نوگرا علاوه بر مجاز، همزمان از شیوه‌های استعاری نیز استفاده می‌کنند. وی برای اثبات این نظر، قسمت‌های منتخبی از رمان اولیس نوشتهٔ جیمز جویس، ساختن آمریکایی‌ها و دکمه‌های لطیف نوشتهٔ گرتروود استاین، در سرزمینی دیگر نوشتهٔ ارنست همینگوی، زنان عاشق نوشتهٔ د. ه. لارنس، طرف‌خانهٔ سوان و سودوم و گومورا اثر مارسل پروست و به‌سوی فانوس دریایی اثر ویرجینیا وُلف را مورد بررسی قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که «ویژگی ادبیات داستانی نو عبارت است از گرایش افراطی یا سبک‌گرایانه به‌سوی قطب مجازی زبان - که رمان به اقتضای ماهیت خود، متمایل به آن است - و نیز گرایشی به‌سوی قطب استعاری که رمان به اقتضای ماهیتش از آن به دور است.» شیوهٔ لاج در بررسی قسمت‌های منتخبی که از رمان‌های مختلف برگزیده است، شیوه‌ای است توأم با دقت و نکته‌سنجی نقادانه که می‌تواند الگوی مناسبی برای اعمال این قبیل نظریه‌ها در مورد ادبیات داستانی فارسی باشد.

چهارمین مقالهٔ این مجموعه، یکی دیگر از معروف‌ترین نوشته‌های رومن یاکوبسن است به نام «زبان‌شناسی و شعرشناسی». وی در این نوشته نخست استدلال می‌کند که «شعرشناسی»، جزء مکمل زبان‌شناسی است، زیرا که «شعرشناسی به مسائل ساختار کلام می‌پردازد» و زبان‌شناسی نیز «علم جهانی ساختار کلام است». بد نیست اشاره کنیم که یاکوبسن اصطلاح «شعرشناسی» را در مفهومی عام به کار می‌برد و به هیچ وجه آن را محدود به بررسی شعر نمی‌داند. به زبانی ساده‌تر، می‌توان گفت منظور او از «شعرشناسی»، بررسی زبان متون ادبی - از جمله شعر - است. وی پس از اشاره به اینکه بررسی ادبیات نیز مانند زبان‌شناسی شامل دو بخش «همزمانی» و «در زمانی» می‌شود، به تبیین «کارکرد شعری زبان» می‌پردازد و جایگاه آن را در میان دیگر کارکردهای زبان مشخص می‌کند. به گمان او «وقتی که ارتباط کلامی صرفاً به‌سوی پیام میل می‌کند، یعنی وقتی پیام به خودی خود کانون توجه می‌شود، آن موقع است که زبان کارکردی شعری دارد.» یاکوبسن ابتدا این عقیده را مطرح

می‌کند - عقیده‌ای که در اصل از فردیناندو سوسور برگرفته است - که زبان نظامی است مبتنی بر «انتخاب» و «ترکیب» واژگان (آنچه سوسور روابط «محور جانشینی»^۱ و «محور همنشینی»^۲ می‌نامید)، سپس تعریف معروف خود از کارکرد شعری زبان را به دست می‌دهد: «کارکرد شعری زبان، اصل معادل بودن واژگان را از محور انتخاب به محور ترکیب فرا می‌افکند.» طبق این تعریف، برای بررسی شعر باید روابط افقی (ترکیبی) واحدهای زبانی را روابط عمودی (انتخابی) محسوب کرد. یا کوبسن نیز در مقاله خود، مکرراً به آثار ادبی - از جمله آثاری از گُئن دیل، یوجین اُنیل و دارتی پارکر - استناد می‌کند.

آخرین نوشته این مجموعه، مقاله‌ای با عنوان «ادبیات به منزله کلام» نوشته راجر فالر، در واقع پاسخی است به مقاله «زبان‌شناسی و شعرشناسی» یا کوبسن. فالر در این مقاله دیدگاه یا کوبسن را (تحلیل متون ادبی به منزله ساختاری صوری) مورد انتقاد قرار می‌دهد. نویسنده نخست برخی عقاید خود را که به گفته خودش از دیدگاه زیبایی‌شناسی سنتی، پذیرفتنی نیست برمی‌شمرد و آنگاه به بحث در این باره می‌پردازد که شیوه نقدی که او ترویج می‌کند مستلزم نظریه «کارکردی»^۳ زبان است. وی با اشاره به نظرگاه‌های مکتب زبان‌شناسی پراگ و م. ا. ک. هالیدی درباره «دستور زبان کارکردی»، تقسیم‌بندی سه‌گانه هالیدی از کارکردهای زبان را معرفی می‌کند که عبارتند از: کارکرد انگار ساختی، بین فردی، و متنی. فالر استدلال می‌کند که یا کوبسن با عمده کردن مشخصه‌های آوایی و نحوی تکرار، تقارن و تضاد و طباق، عملاً دیگر جنبه‌های زبان متون ادبی را نادیده انگاشته است. بدیلی که نویسنده ترویج می‌کند، عطف توجه به «بُعد مهم و اجتناب‌ناپذیر بین فردی - تعاملی - استدلالی متون ادبی» است. برای این منظور، وی به تجدیدنظر جان سرل در نظریه «اعمال گفتاری»^۴ ج. ل. آستین اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که باید توجه زیادی به ملازمات نامشخص «وابسته‌های پیام‌رسانی»^۵ در ساختار کلامی متون ادبی مبذول شود. نمونه‌ای که وی در این زمینه مورد بررسی قرار می‌دهد، بخشی از شعر

1. Paradigmatic axis

2. Syntagmatic axis

Speech Acts

«ببر» سروده ویلیام بلیک، شاعر رمانتیک انگلیسی است. نویسندگان در پایان نتیجه می‌گیرند که متن ادبی را باید فرایند یا «تعامل»^۱ قلمداد کرد و بدین ترتیب مانع از آن شد که ادبیات «تافته‌ای جدا بافته از دیگر کنش‌های ارتباطی» تلقی شود.

مجموعه حاضر با این امید ترجمه و منتشر شده است که دانشجویان و علاقه‌مندان به ادبیات و مباحث نقد ادبی با آخرین نظریه‌های مربوط به کاربرد زیان‌شناسی در بررسی متون ادبی آشنا شوند. همچنین امیدواریم دانشجویان و علاقه‌مندان به زیان‌شناسی نیز از این طریق تصویر بیش و کم روشنی از حدود کاربرد زیان‌شناسی در ادبیات به دست آورند. اما پنداری خطا است اگر تصور کنیم صرف آشنایی با مباحث زیان‌شناسی می‌تواند مجوزی برای بررسی ادبیات باشد. همان‌گونه که پیش از این در معرفی بخش‌های مختلف این کتاب اشاره شد، هر یک از نویسندگان این مقالات در خلال بحث‌های خود، پیاپی به متون ادبی به‌منزله شاهد و نمونه مباحث مطرح شده استناد می‌کنند و این نشان‌دهنده احاطه آنان به هر دو زمینه مورد بحث - یعنی زیان‌شناسی و ادبیات - است. از آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که زیان‌شناسان مایل به تجزیه و تحلیل متون ادبی از دیدگاه زیان‌شناسی، باید پیش از این کار، شناخت کافی از ادبیات داشته باشند و به همین ترتیب منتقدان ادبی که قصد نقد متون ادبی با «شیوه نقد زیان‌شناسانه» را دارند، باید نخست با آن مباحثی از زیان‌شناسی که به این زمینه مربوط می‌شود آشنا باشند. امید ما این است که مجموعه حاضر، مشوق هر دو دسته (زیان‌شناسان و منتقدان ادبی) باشد تا با آشنایی بیشتر با دیگر آثار یا کوبسن، فالر، لاج و سایر نظریه‌پردازان و منتقدانی که در این زمینه صاحب نظرند، موجب اعتلای فرهنگ نقد در کشورمان باشند.

در پایان، وظیفه خود می‌دانیم از همه کسانی که در معادل‌یابی بسیاری از اصطلاحات زیان‌شناسی این مقالات ما را یاری دادند، صمیمانه تشکر کنیم.

مریم خوزان

حسین پاینده

تابستان ۱۳۶۹

بررسی ادبیات به منزلهٔ زبان

راجر فالر

حدود بیست و پنج سال است که منتقدان ادبی و زبان‌شناسان پیوسته بر سر این مسئله مجادله داشته‌اند که آیا درست است شیوه‌های زبان‌شناختی - یعنی شیوه‌های برگرفته از دانش زبان‌شناسی - در بررسی ادبیات به کار گرفته شود یا نه. تقریباً همهٔ زبان‌شناسان با اطمینان عقیده داشته‌اند که چنین کاری کاملاً درست است، اما به جرئت می‌توان گفت منتقدان ادبی آن را برنتافته و با خشم به مخالفت پرداخته‌اند. هر دو طرف این مجادلهٔ سرسختانه، با شدت و شور فراوان ادعاهایی را مطرح کرده و نکاتی را منکر شده‌اند. برای مثال، رومن یاکوبسن در سال ۱۹۵۸ موضع زبان‌شناسان را این‌گونه تبیین می‌کند:

شعرشناسی به مسائل ساختار کلام می‌پردازد، درست همان‌طور که در تحلیل نقاشی به ساخت تصویری پرداخته می‌شود. از آنجا که زبان‌شناسی علم جهانی ساختار کلام است، شعرشناسی را باید جزء مکمل زبان‌شناسی دانست.^۱

1. Roman Jakobson, «Concluding Statement: Linguistics and Poetics»; in T.A. Sebeok (ed), *Style in Language* (Cambridge, Mass., 1960), p. 350.